

«علوم تربیتی»

سال سوم - شماره ۱۱ - پاییز ۱۳۸۹

ص. ص. ۶۴ - ۴۷

بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس دانش‌آموزان دختر پایه سوم مقطع متوسطه تبریز

دکتر سیدداود حسینی نسب^۱

دکتر جواد مصرآبادی^۲

ناهید آقاجان‌زاده^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس دانش‌آموزان دختر پایه‌ی سوم متوسطه شهر تبریز بود. به این منظور به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و به طور تصادفی از دو دبیرستان شهر تبریز ۵۶ نفر انتخاب شد که ۳۴ نفر از آنان در گروه آزمایش و ۲۲ نفر در گروه کنترل قرار گرفتند. پرسشنامه‌ی عزت نفس کوپر اسمیت (میزان پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۸ برآورد شده است) به عنوان پیش‌آزمون توسط هر دو گروه تکمیل شده سپس گروه آزمایش هشت جلسه آموزش مهارت‌های زندگی (مهارت همدلی، مهارت تصمیم‌گیری، مهارت حل مسئله، مهارت ابراز وجود) را دریافت نمود و گروه کنترل برنامه عادی روزانه خود را گذراند. سپس از هر دو گروه پس‌آزمون به عمل آمد و داده‌های به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس کلی، عزت نفس تحصیلی و عزت نفس اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری دارد. عزت نفس خانوادگی و فردی آزمودنی‌ها پس از آموزش، افزایش یافت ولی این افزایش معنادار نبود.

واژگان کلیدی: آموزش مهارت‌های اجتماعی^۴، عزت نفس^۵، دانش‌آموزان.

۱- استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، گروه علوم تربیتی، تبریز، ایران.

۲- استادیار دانشگاه تربیت معلم آذربایجان

۳- کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

4- Social Skills training

5- Self Esteem

مقدمه

انسان موجودی است اجتماعی و ادامه زندگی به صورت انفرادی تقریباً غیرممکن است. به محض تولد و با دریافت نخستین احساس، خود را در رابطه با دیگران می‌بیند. هر چند این رابطه در ابتدا محدود است ولی همگام با رشد طبیعی به ناچار خود را در محیط وسیع‌تر و شلوغ‌تری می‌بیند که می‌بایست به تعامل با این محیط بپردازد، پس لازم است که به موازات رشد جسمانی، مهارت‌های اجتماعی نیز در وی تقویت شوند.

افراد زیادی به این عقیده اساسی پای‌بند هستند که: بهترین راه برای افزایش دادن انگیزش دیگران این است که عزت نفس آنها را بالا ببریم. آموزگاران، کارفرمایان و مربیان همواره و با اشتیاق می‌گویند برای با انگیزه کردن دانش‌آموزان، کارمندان و ورزشکاران باید عزت نفس آنها را بالا برد. کاری کنید آنها از آنچه هستند، احساس رضایت کنند، بعد ببینید که چه چیزهایی به صورت شگفت‌آوری آشکار می‌شود (ریو^۱، ۱۳۸۷).

بالا بردن عزت نفس هدف خوبی است، چرا که عزت نفس با شاد بودن همبستگی مثبت دارد (دینر و دینر^۲، ۱۹۹۶). ریو (۱۳۸۷) معتقد است مشکل تقویت کردن عزت نفس به عنوان یک مداخله‌ی انگیزشی این است که تقریباً هیچ یافته‌ای وجود ندارد که نشان دهد عزت نفس موجب چیزی می‌شود، بلکه عزت نفس را کل موفقیت‌ها و شکست‌ها بوجود می‌آورند. چیزی که باید بهبود یابد عزت نفس نیست، بلکه مهارت‌های ما برای پرداختن به دنیاست. مهارت‌های ما در پرداختن به دنیا موجب خواهند شد عزت نفس بالاتری را درک کنیم. عزت نفس نشان می‌دهد که زندگی چگونه می‌گذرد، اما نه به عنوان یک منبع انگیزشی که به افراد امکان دهد کاری کنند که زندگی خوب پیش برود. عزت نفس شبیه شادی است، سعی در شاد بودن باعث نمی‌شود که خیلی موفق شوید بلکه شادی پیامد خشنودی‌ها، پیروزی‌ها و روابط مثبت زندگی است. همین‌طور عزت نفس، حاصل عملکرد سازگارانه و ثمر بخش خود است. پیامد برآورده کردن آرزوها و هنجارهایی است که فرهنگ حکم کرده است (همان منبع).

افراد که عزت نفس پائین دارند از سطح بسیار بالای اضطراب رنج می‌برند. مهمترین امتیاز عزت نفس بالا این است که از خود در برابر افسردگی و اضطراب محافظت می‌کند.

قدرت سازگاری افراد در جامعه‌ی انسانی برابر نیست و این در حالی است که کنار آمدن با دیگران اولین تکلیفی است که در زندگی با آن رو به رو می‌شویم. سطح سازگاری اجتماعی ما، که بخشی از سبک زندگی ماست، بر روش برخورد ما با مشکلات زندگی تأثیر می‌گذارد. در یک محیط مشابه اجتماعی، برخی انسان‌ها توان مقابله با مشکلات و انتظارات را در اندک زمانی از دست می‌دهند و خیلی

1- Reeve

2- Diener, E. & Diener, M

زود در دام انزوا و افسردگی یا عملکرد نامناسب (رفتار ضد اجتماعی، تخریبی و...) گرفتار می‌شوند. در مقابل، عده‌ای با اندیشه و تحلیل موقعیت، به رفتاری سازگارانه و همراه با تحمل روی می‌آورند. آنان همواره به راه‌های مؤثر و مفید می‌اندیشند و به درستی می‌دانند که راهی برای حل مسئله وجود دارد.

پژوهشگران، تأثیر مثبت مهارت‌های زندگی را در تقویت عزت نفس، کاهش سوء مصرف مواد، استفاده از ظرفیت‌ها و کنش‌های هوش، پیشگیری از رفتارهای خشونت آمیز و... مورد تأیید قرار داده‌اند (طارمیان و همکاران، ۱۳۷۸). همچنین پژوهش‌ها نشان داده‌اند آنها که عزت نفس پایین دارند، بیشتر تحت تأثیر ارتباطات قانع کننده قرار می‌گیرند و به عبارت دیگر تلقین پذیرترند. از طرف دیگر، تحقیقات بیانگر تأثیر تلقین بر عملکردها و رفتار هستند (اسلامی نسب، ۱۳۷۳).

همه ما در زندگی با چالش‌ها و مشکلاتی مواجه می‌شویم و هرکس به شیوه خاص خود به مسائل پاسخ می‌دهد برخی با ارزیابی درست و منطقی موقعیت و با استفاده از راهبردهایی مانند مسأله‌گشایی، تفکر مثبت و استفاده مؤثر از سیستم‌های حمایتی، با موقعیت مقابله می‌کنند در مقابل، برخی دیگر به جای مقابله سازگارانه با مسائل سعی می‌کنند به روش‌های مختلف مانند پناه بردن به الکل و مواد مخدر و سایر راهبردهای ناکارآمد از رویارویی با مشکلات اجتناب کنند که این نوع راهبردها هر چند ممکن است در کوتاه مدت مؤثر باشد ولی در دراز مدت پیامدهای منفی بسیار دارد و فرد را از احساس کارآمدی و داشتن عزت نفس و خود ارزشمندی محروم می‌سازد. پژوهشگران این دو نوع سبک مقابله با مشکلات را به ترتیب مقابله مسأله مدار و مقابله هیجان مدار نامیده‌اند. اینکه در هنگام مواجهه با موقعیت‌های دشوار به کدام یک از این راهبردها متوسل می‌شویم به ارزیابی ما از موقعیت (ارزیابی اولیه^۱) و توانایی خود در مقابله با این موقعیت (ارزیابی ثانویه^۲) بستگی دارد (کلینکه، ۱۳۸۰). امروزه پژوهشگران با بررسی راهبردهای مقابله ایفاد موفق و ناموفق نشان داده‌اند مقابله کننده‌های موفق به مجموعه‌ای از مهارت‌های مقابله‌ای از قبیل انعطاف‌پذیری، خوش‌بینی دور اندیشی، منطقی بودن و... مجهز بوده‌اند. نکته‌ی حائز اهمیت این است که همه این مهارت‌ها قابل فراگیری هستند.

کوپر اسمیت معتقد است زمینه و سوابق اجتماعی، خصوصیات والدین، خصوصیات آزمودنی‌ها و حوادث و تجارب اولیه کودکی با میزان عزت نفس افراد رابطه دارد. کوپراسمیت خویشتن را عامل بسیار مهمی در ایجاد نوع رفتار می‌داند و عقیده دارد: افرادی که خودپنداره مثبت دارند رفتارشان اجتماع پسندتر از افرادی است که خودپنداره منفی دارند. از یافته‌های کوپر اسمیت چنین نتیجه‌گیری می‌شود که افراد با عزت نفس بالا به خود اعتماد و اطمینان لازم را دارند و این امر در قضاوت‌ها و ابراز عقایدشان به خوبی مشهود است (اسلامی نسب، ۱۳۷۳). با توجه به ابعاد ارتباطی کودکان با محیط، عزت نفس در پنج حوزه‌ی: خانوادگی، اجتماعی، تحصیلی، بدنی (فردی) و کلی مشخص شده است.

- 1- Rimary appraisal
- 2- Secondary appraisal

مازلو در سلسله مراتب نیازها و در سطح سوم، احترام به خود یا عزت نفس را قرار می‌دهد که مشتمل بر تمایل به شایستگی، چیرگی، پیشرفت، توانمندی، کفایت، اطمینان، استقلال و آزادی است. زمانی که این نیازها ارضاء شود فرد احساس ارزشمندی، توانایی، قابلیت مثمرتر بودن و اطمینان می‌کند و چنانچه این نیازها برآورده نشود فرد احساس حقارت، درماندگی، ضعف و دلسردی و ناامیدی می‌کند (مفتاح، نقل از www.gahaneweb.com).

با اینکه بچه‌ها عزت نفس را در سراسر زندگی خود می‌سازند، از ۱۳ تا ۱۹ سالگی اغلب تغییرات زیادی در عزت نفس آنها تجربه می‌شود. چون عزت نفس می‌تواند به وسیله‌ی انتخاب هدف و رسیدن به آن تغییر کند و همچنین یادگیری مهارت‌های تازه، کمک به دیگران، داشتن مسئولیت‌های جدید، آزادی‌ها، داشتن فکر مثبت، فعالیت جمعی و جزئی از یک تیم یا گروه شدن و امثال آن می‌توانند در عزت نفس مؤثر باشند (محمد الفت، ۱۳۸۲).

مشکلاتی مانند افسردگی، اضطراب، تنهایی، طردشدگی، کمرویی، پایین بودن سطح عزت نفس، خشم، تعارض در روابط بین فردی و... از جمله مشکلات بهداشت روانی و به نوعی ریشه بسیاری از آسیب‌های روانی - اجتماعی از جمله اعتیاد، بزهکاری، خودکشی و... محسوب می‌شوند. به نظر می‌رسد هم‌اکنون، نهادهای سنتی آموزش مانند خانواده، مدرسه و سایر نهادهای فرهنگی در تجهیز کودکان و نوجوانان به مهارت‌های مقابله‌ای موفق نیستند و عوامل مختلف از جمله رسانه‌های گروهی، موقعیت‌های مختلف اجتماعی، اخلاقی، تغییرات اجتماعی، انتظارات و ارزش‌ها، بین کودکان و نوجوانان از یک سو و والدین آنها از سوی دیگر شکاف عظیمی ایجاد نموده است. فلذا ضروری است فرصت‌هایی فراهم گردد تا کودکان و نوجوانان علاوه بر کسب توانایی‌های خواندن، نوشتن و ریاضی، مهارت‌های زندگی را نیز فرا بگیرند تا در رابطه با سایر انسان‌ها، جامعه، فرهنگ و محیط خود مثبت و سازگارانه عمل کنند و سلامت روانی خود را تأمین کنند (خالصی و علیجانی، ۱۳۸۲). بدین ترتیب یادگیری و تمرین مهارت‌های زندگی موجب تقویت یا تغییر در نگرش‌ها و انتساب‌ها، ارزش و رفتار انسان و ارتقاء عزت نفس وی می‌گردد که به نوبه خود موجب رفتارهای مثبت و سازنده خواهد بود، بطوریکه آثار مثبت این تغییرات می‌تواند ماندگار باشد. چرا که دانش‌آموزان امروز، پدران و مادران فردای جامعه هستند و اگر خود از عزت نفس بالا برخوردار نباشند، خوشبین و امیدوار نباشند، نخواهند توانست فرزندان با این صفات تربیت کنند و این دور معیوب همچنان ادامه خواهد داشت.

توجه به موضوع مهارت‌های اجتماعی در سطح بین‌المللی در سال‌های اخیر به آن حد رسیده است که سازمان بهداشت جهانی، سلامت و بهداشت روان را از مهم‌ترین عوامل زندگی سالم قلمداد نموده و در همین راستا با پایه‌گذاری طرح «مهارت‌های اجتماعی» گامی بسیار بزرگ در جهت اعتلای سطح کیفی زندگی افراد برداشته است (موسی‌پور، ۱۳۸۶). هدف از اجرای این برنامه افزایش توانایی‌های

روانی- اجتماعی افراد است تا با تجهیز آنان به این قابلیت‌ها، امکان مقابله سازگارانانه با مقتضیات و کشمکش‌های زندگی را فراهم آورده و عملکرد مثبت و منعطف را در ارتباط با سایر انسان‌ها، جامعه، فرهنگ و محیط تأمین نماید و از بروز رفتارهای آسیب‌زا ممانعت کند. هدف از برنامه آموزش مهارت‌های زندگی کسب یا افزایش دانش صرف نیست، بلکه ایجاد مهارت و تغییر در نگرش و ارزش‌های فردی است. با این حال، تنها ۴ درصد دانش‌آموزان از برنامه آموزش مهارت‌های زندگی برخوردارند (همان منبع). بنابراین ضرورت آموزش مهارت‌های زندگی به عنوان راهکاری مؤثر در اغلب جنبه‌های روانشناختی زندگی از جمله عزت نفس قابل تأمل می‌باشد. پژوهش‌های متعددی مؤثر بودن آموزش مهارت‌های زندگی را نشان می‌دهند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

تلادو^۱ (۱۹۸۴) دریافته است که توانایی بیشتر در حل مسئله با افزایش عزت نفس و منبع کنترل درونی رابطه دارد. پژوهش ارکات^۲ و همکاران (۱۹۹۱) که به صورت پژوهش تجربی و کنترل شده اجرا شد ۲۵۳۰ دانش‌آموز را در گروه کنترل و ۲۵۳۰ دانش‌آموز را در گروه آزمایشی، مورد بررسی قرار داد. گروه آزمایشی در مورد مهارت‌های ارتباطی، تصمیم‌گیری و مراحل حل مسئله آموزش داده شدند. نتایج نشان داد که در گروه آزمایشی، مصرف سیگار، الکل و سایر مواد مخدر کاهش چشمگیری یافت. پژوهشی توسط رخ‌فرد (۱۳۸۸) در راستای تعیین اثر بخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر سازگاری اجتماعی و عزت نفس دانش‌آموزان پسر عقب مانده‌ی ذهنی مقطع دبیرستان شهر اصفهان صورت گرفت. نمونه مورد نظر در این پژوهش ۱۱۰ نفر (یک خوشه تصادفی از جامعه کل کشور) بود. در مرحله بعدی به شیوه تصادفی ساده ۴۰ نفر که بر اساس پرسشنامه‌های سازگاری اجتماعی و عزت نفس، کمترین نمره را گرفته بودند، انتخاب شدند و در دو گروه آزمایش و کنترل گمارده شدند (۲۰ نفر در گروه کنترل و ۲۰ نفر در گروه آزمایش). سپس گروه آزمایش در طی ۹ جلسه ۴۵ دقیقه‌ای تحت آموزش مهارت‌های زندگی قرار گرفتند. یافته‌های به دست آمده مؤید اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر سازگاری اجتماعی و عزت نفس دانش‌آموزان می‌باشد.

در پژوهشی که به منظور بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی در بهبود عزت نفس دانش‌آموزان پسر نابینا طراحی شده بود، ۳۸۰ دانش‌آموز پسر نابینای دوره راهنمایی به صورت هدف‌دار انتخاب شده و در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند. پس از اجرای برنامه آموزشی به مدت یک ماه (دو جلسه در هفته) هر دو آزمون ارزیابی مهارت‌های اجتماعی کودکان و پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت، مجدداً بر روی هر دو گروه اجرا گردید. نتایج حاصل از تحلیل کوواریانس فرضیه‌های این

1 - Tellado

2 - Errocart

پژوهش نشان داد که آموزش مهارت‌های اجتماعی بر بهبود عزت نفس دانش‌آموزان پسر نابینا به طور معناداری مؤثر بوده است (به پژوه و همکاران، ۱۳۸۶).

در بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر وضعیت روانشناختی دانش‌آموزان مبتلا به اختلال یادگیری ریاضی، مؤمنی (۱۳۸۹) به این نتیجه رسید که آموزش مهارت‌های زندگی باعث ارتقاء وضعیت برقراری ارتباط، عزت نفس، کفایت هیجانی و کفایت اجتماعی دانش‌آموزان مبتلا به اختلال یادگیری ریاضی شده است.

پژوهش‌ها از موضع مازلو که اعلام می‌دارد افرادی که عزت نفس بالایی دارند از حرمت نفس و اعتماد به نفس بالایی برخوردارند حمایت می‌کند. آنها در مقایسه با کسانی که عزت نفس پایینی دارند احساس می‌کنند شایسته‌تر و ثمر بخش‌تر هستند. افراد دارای عزت نفس بالا در موقعیت‌های متعدد بهتر عمل می‌کنند.

بررسی دانشجویانی که به دنبال کار بودند معلوم کرد آنهایی که عزت نفس بالایی داشتند از دانشجویانی که عزت نفس پایینی داشتند پیشنهادات شغلی بیشتری دریافت کرده و کارفرمایان آنها را مطلوب‌تر ارزیابی کردند (شولتز، ۱۳۸۶). ترجمه سیدمحمدی.

با نگاهی به ادبیات موجود و پیشینه تحقیقاتی، در این پژوهش تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس دانش‌آموزان دختر پایه سوم متوسطه شهر تبریز مورد بررسی قرار گرفت.

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس کلی دانش‌آموزان تأثیر مثبت دارد.
- ۲- آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس اجتماعی دانش‌آموزان تأثیر مثبت دارد.
- ۳- آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس خانوادگی دانش‌آموزان تأثیر مثبت دارد.
- ۴- آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر مثبت دارد.
- ۵- آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس فردی دانش‌آموزان تأثیر مثبت دارد.

روش شناسی تحقیق

طرح کلی پژوهش از نوع نیمه تجربی است. در این پژوهش از دو گروه (آزمایش و کنترل) با پیش‌آزمون و پس‌آزمون استفاده شد. جامعه آماری پژوهش عبارت بود از کلیه دانش‌آموزان دختر پایه سوم مقطع متوسطه که در سال تحصیلی ۸۹ - ۱۳۸۸ در دبیرستان‌های دولتی شهر تبریز مشغول به تحصیل بودند. تعداد دبیرستان‌های دولتی دخترانه ۶۵ و تعداد دانش‌آموزان دختر ۱۹۴۲۵ نفر بود. از طریق نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای یک کلاس ۳۴ نفری به عنوان گروه آزمایش و یک کلاس ۲۲

نفری به عنوان گروه کنترل انتخاب شدند. کلاس‌های آموزش مهارت‌های زندگی (حل مسئله، تصمیم‌گیری، ابزار وجود و همدلی) در ۸ جلسه یک ساعته طی مدت ۱ ماه به گروه آزمایش برگزار گردید. به منظور گردآوری اطلاعات در این پژوهش از پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت^۱ استفاده شده است. حداقل نمره‌ای که یک فرد می‌تواند کسب کند صفر و حداکثر ۵۰ خواهد بود. فردی که در این آزمون نمره بالاتر از ۲۵ کسب کند دارای عزت نفس بالا و فردی که نمره پایین‌تر از این مقدار بدست آورد، دارای عزت نفس پایین می‌باشد (حسینی و همکاران ۱۳۸۷). در پژوهشی که توسط به پژوه و همکاران (۱۳۸۶) انجام گرفته، میزان پایایی این آزمون با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ برآورد شده است. در پژوهش حاضر میزان پایایی این آزمون با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۸ برآورد شده است.

یافته‌ها

آزمون فرضیه‌ها

در پژوهش حاضر با توجه به طرح تحقیق و نیز نرمال بودن توزیع تغییرات داده‌ها (جدول ۱) جهت آزمون فرضیه‌ها از آزمون تحلیل واریانس دو طرفه همبسته استفاده شد.

جدول شماره ۱: نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف

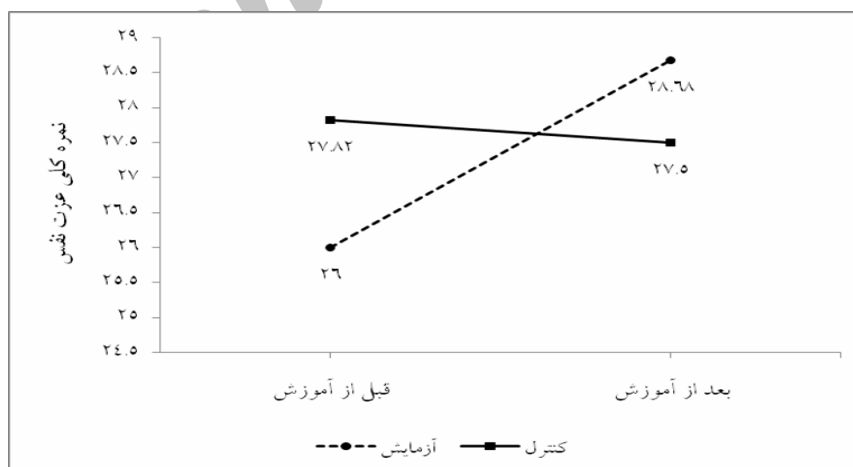
برای بررسی نرمال بودن تغییرات نمرات عزت نفس

گروه	تغییرات نمره کلی	تغییرات عزت نفس اجتماعی	تغییرات عزت نفس خانوادگی	تغییرات عزت نفس تحصیلی	تغییرات عزت نفس فردی	
آزمایش	تعداد	۳۳	۳۳	۳۳	۳۳	
	آماره Z کولموگروف - اسمیرنوف	۰/۴۷۳	۰/۹۴۳	۰/۵۳۷	۱/۰۴۲	۰/۸۳۲
	سطح معنی‌داری	۰/۹۷۹	۰/۳۳۶	۰/۹۳۵	۰/۲۲۸	۰/۴۹۳
کنترل	تعداد	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	
	آماره Z کولموگروف - اسمیرنوف	۱/۰۱۷	۰/۷۷۳	۰/۹۴۰	۰/۹۴۷	۰/۶۸۵
	سطح معنی‌داری	۰/۲۵۳	۰/۵۸۸	۰/۳۴۱	۰/۳۳۱	۰/۷۳۶

فرضیه اول: آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس کلی دانش‌آموزان تأثیر مثبت دارد. برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس دوطرفه همبسته استفاده کرده‌ایم. نتایج تحلیل واریانس دوطرفه همبسته حاکی است که اثر آموزش بدون در نظر گرفتن اثر گروه معنی‌دار نمی‌باشد. همچنین اثر گروه بدون در نظر گرفتن اثر آموزش معنی‌دار نمی‌باشد ولی اثر متقابل آموزش و گروه معنی‌دار می‌باشد. و این بدان معناست که عزت نفس کلی دانش‌آموزان بعد از آموزش مهارت‌های اجتماعی در دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معنی‌داری می‌کند و در نتیجه فرضیه تأیید می‌شود. سهم اثر (مجذور اتا) برای اثر متقابل آموزش و گروه نسبت به سایر اثرات، بالا می‌باشد (جدول ۲). نمودار شماره (۱) نشان می‌دهد که عزت نفس کلی دانش‌آموزان بعد از آموزش مهارت‌های اجتماعی در گروه آزمایش افزایش می‌یابد و این افزایش معنی‌دار می‌باشد.

جدول شماره ۲: نتایج تحلیل واریانس دو طرفه همبسته عزت نفس کلی بعد از آموزش در دو گروه آزمایش و کنترل

منبع تغییر	مجذور مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	P	مجذور اتا
اثر آموزش	۳۱/۸۵۶	۱	۳۱/۸۵۶	۲/۴۶۷	۰/۱۲۲	۰/۰۴۴
اثر گروه	۴/۲۵۶	۱	۴/۲۵۶	۰/۱۱۹	۰/۷۳۲	۰/۰۰۲
اثر متقابل آموزش و گروه	۵۲/۹۸۳	۱	۵۲/۹۸۳	۴/۱۰۲	۰/۰۴۸	۰/۰۷۲
خطا	۶۸۴/۵۱	۵۳	۱۲/۹۲			

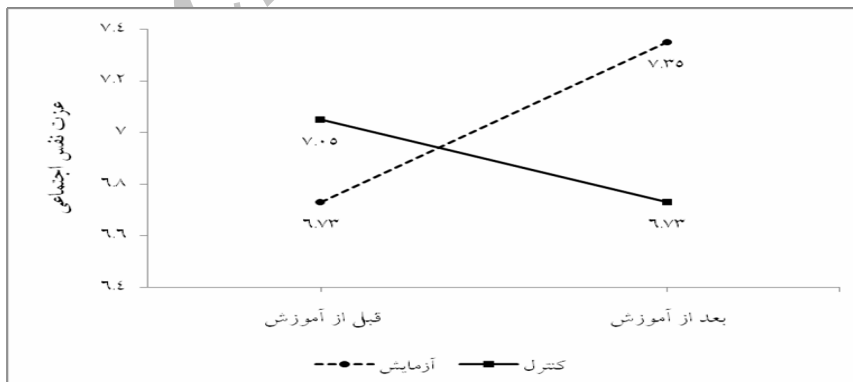


نمودار شماره ۱: نمودار خطی عزت نفس کلی بعد از آموزش در دو گروه آزمایش و کنترل

فرضیه دوم: آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس اجتماعی دانش‌آموزان تأثیر مثبت دارد. برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس دوطرفه همبسته استفاده کرده‌ایم. نتایج تحلیل واریانس دوطرفه حاکی است که اثر آموزش بدون در نظر گرفتن اثر گروه معنی‌دار نمی‌باشد. همچنین اثر گروه بدون در نظر گرفتن اثر آموزش معنی‌دار نمی‌باشد. ولی اثر متقابل آموزش و گروه معنی‌دار می‌باشد (جدول ۳). یعنی عزت نفس اجتماعی دانش‌آموزان بعد از آموزش مهارت‌های اجتماعی در دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معنی‌داری می‌کند. در نتیجه فرضیه تأیید می‌شود. سهم اثر (مجذور اتا) اثر متقابل آموزش و گروه نسبت به سایر اثرات، بالا می‌باشد. نمودار شماره ۲ نشان می‌دهد که عزت نفس اجتماعی دانش‌آموزان بعد از آموزش مهارت‌های اجتماعی در گروه آزمایش افزایش و در گروه کنترل کاهش می‌یابد و این تغییرات معنی‌دار می‌باشد (سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵).

جدول شماره ۳: نتایج تحلیل واریانس عزت نفس اجتماعی بعد از آموزش در دو گروه آزمایش و کنترل

منبع تغییر	مجذور مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	P	مجذور اتا
اثر آموزش	۰/۶۶۸	۱	۰/۶۶۸	۰/۴۷۱	۰/۴۹۶	۰/۰۰۹
اثر گروه	۰/۶۶۸	۱	۰/۶۶۸	۰/۳۰۳	۰/۶۵۴	۰/۰۰۴
اثر متقابل آموزش و گروه	۶/۰۱۴	۱	۶/۰۱۴	۴/۲۳۸	۰/۰۴۴	۰/۰۷۴
خطا	۷۵/۲۱	۵۳	۱/۴۲			

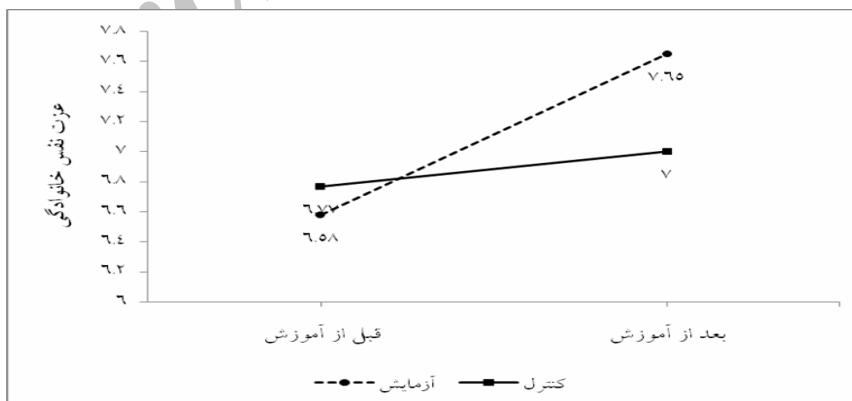


نمودار شماره ۲: نمودار خطی عزت نفس اجتماعی بعد از آموزش در دو گروه آزمایش و کنترل

فرضیه سوم: آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس خانوادگی دانش‌آموزان تأثیر مثبت دارد. برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس دوطرفه همبسته استفاده کرده‌ایم. نتایج تحلیل واریانس دوطرفه حاکی است که اثر آموزش بدون در نظر گرفتن اثر گروه معنی‌دار می‌باشد (سطح معنی‌داری برابر ۰/۰۴۷). اثر گروه بدون در نظر گرفتن اثر آموزش معنی‌دار نمی‌باشد. اثر متقابل آموزش و گروه نیز معنی‌دار نمی‌باشد. بنابراین عزت نفس خانوادگی دانش‌آموزان بعد از آموزش مهارت‌های اجتماعی در دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معنی‌داری نمی‌کند (جدول ۴). در نتیجه فرضیه رد می‌شود. سهم اثر (مجذور اتا) تمام اثرات پایین می‌باشد. سهم اثر آموزش نسبت به سایر اثرات بیشتر است. نمودار ۳ نشان می‌دهد که عزت نفس خانوادگی دانش‌آموزان بعد از آموزش مهارت‌های اجتماعی در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل افزایش بیشتری داشته است ولی این تغییرات معنی‌دار نمی‌باشد.

جدول شماره ۴: نتایج تحلیل واریانس عزت نفس خانوادگی بعد از آموزش در دو گروه آزمایش و کنترل

منبع تغییر	مجذور مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	P	مجذور اتا
اثر آموزش	۸/۹۸۳	۱	۸/۹۸۳	۴/۱۴۵	۰/۰۴۷	۰/۰۷۳
اثر گروه	۰/۶۶۸	۱	۰/۶۶۸	۰/۰۶۱	۰/۸۰۵	۰/۰۰۱
اثر متقابل آموزش و گروه	۳/۳۴۷	۱	۳/۳۴۷	۱/۵۴۴	۰/۲۱۹	۰/۰۲۸
خطا	۱۱۴/۸۷۱	۵۳	۲/۱۶۷			

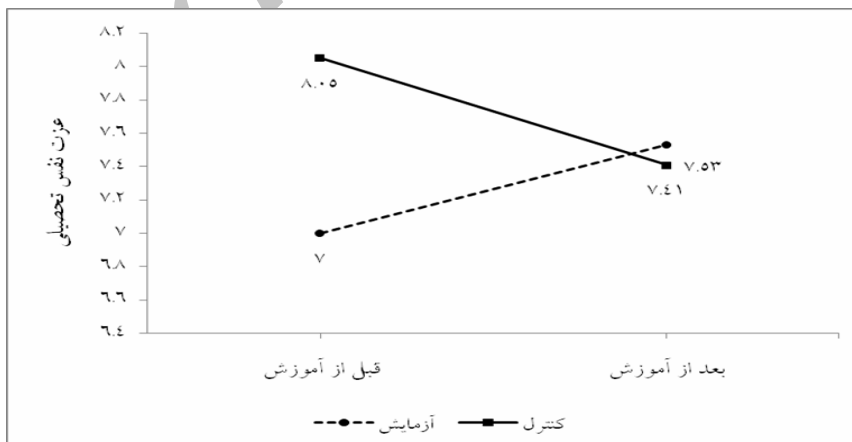


نمودار ۳: نمودار خطی عزت نفس خانوادگی بعد از آموزش در دو گروه آزمایش و کنترل

فرضیه چهارم: آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر مثبت دارد. برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس دوطرفه همبسته استفاده کرده‌ایم. نتایج تحلیل واریانس دوطرفه حاکی است که اثر آموزش بدون در نظر گرفتن اثر گروه معنی‌دار نمی‌باشد. همچنین اثر گروه بدون در نظر گرفتن اثر آموزش معنی‌دار نمی‌باشد. ولی اثر متقابل آموزش و گروه معنی‌دار می‌باشد (سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵). بنابراین عزت نفس تحصیلی دانش‌آموزان بعد از آموزش مهارت‌های اجتماعی در دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معنی‌داری می‌یابد (جدول ۵). در نتیجه فرضیه تأیید می‌شود. سهم اثر (مجذور اتا) اثر متقابل آموزش و گروه نسبت به سایر اثرات بیشتر است. نمودار ۴ نیز نشان می‌دهد که عزت نفس تحصیلی گروه آزمایش افزایش یافته است.

جدول شماره ۵: نتایج تحلیل واریانس عزت نفس تحصیلی بعد از آموزش در دو گروه آزمایش و کنترل

منبع تغییر	مجذور مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	P	مجذور اتا
اثر آموزش	۰/۱۵۲	۱	۰/۱۵۲	۰/۱۰۸	۰/۷۴۴	۰/۰۰۲
اثر گروه	۶/۲۰۶	۱	۶/۲۰۶	۰/۷۶۵	۰/۳۸۶	۰/۰۱۴
اثر متقابل آموزش و گروه	۸/۲۹۷	۱	۸/۲۹۷	۵/۸۸۹	۰/۰۱۹	۰/۱۰۰
خطا	۷۴/۶۶۷	۵۳	۱/۴۰۹			

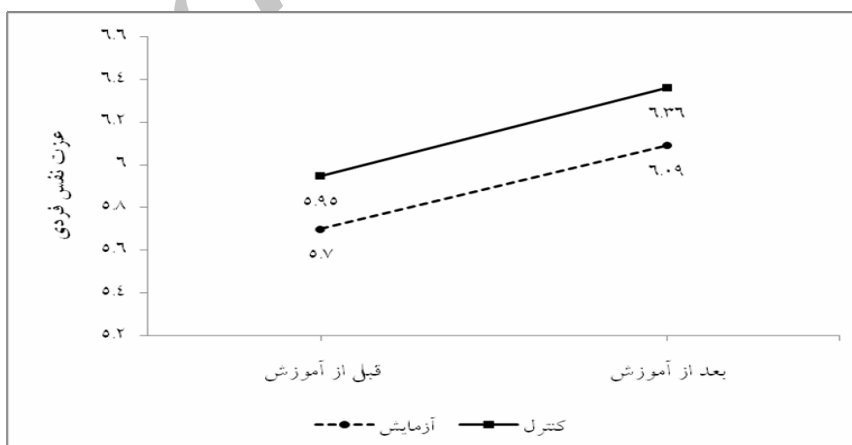


نمودار ۴: نمودار خطی عزت نفس تحصیلی بعد از آموزش در دو گروه آزمایش و کنترل

فرضیه پنجم: آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس فردی دانش‌آموزان تأثیر مثبت دارد. برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس دوطرفه همبسته استفاده کرده‌ایم. نتایج تحلیل واریانس دوطرفه حاکی است که اثر آموزش بدون در نظر گرفتن اثر گروه معنی‌دار نمی‌باشد. همچنین اثر گروه بدون در نظر گرفتن اثر آموزش معنی‌دار نمی‌باشد. اثر متقابل آموزش و گروه نیز معنی‌دار نمی‌باشد. بنابراین عزت نفس فردی دانش‌آموزان بعد از آموزش مهارت‌های اجتماعی در دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معنی‌داری نمی‌کند (جدول ۶). در نتیجه فرضیه رد می‌شود. سهم اثر (مجذور اتا) تمام اثرات پایین می‌باشد ولی سهم اثر آموزش نسبت به سایر اثرات بیشتر است. نمودار نشان می‌دهد که عزت نفس فردی دانش‌آموزان بعد از آموزش مهارت‌های اجتماعی هم در گروه آزمایش و هم در گروه کنترل افزایش می‌یابد و اثر متقابلی ندارند.

جدول شماره ۶: نتایج تحلیل واریانس عزت نفس فردی بعد از آموزش در دو گروه آزمایش و کنترل

منبع تغییر	مجذور مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	P	مجذور اتا
اثر آموزش	۴/۳۵۶	۱	۴/۳۵۶	۱/۷۹۶	۰/۱۸۶	۰/۰۳۳
اثر گروه	۱/۸۵۶	۱	۱/۸۵۶	۰/۲۲۰	۰/۶۴۱	۰/۰۰۴
اثر متقابل آموزش و گروه	۰/۰۰۲	۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۹۸۰	۰/۰۰۰
خطا	۱۲۵/۵۹۸	۵۳	۲/۳۷۰			



نمودار ۵: نمودار خطی عزت نفس فردی بعد از آموزش در دو گروه آزمایش و کنترل

بحث و نتیجه گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر و ارتباط آن با تحقیقات و مطالعات قبلی می‌توان به بحث و تحلیل در مورد فرضیات مطرح شده در این پژوهش پرداخت.

فرضیه اول، اولین یافته پژوهش نشان داد که آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس کلی دانش‌آموزان تأثیر مثبت دارد. این یافته با نتایج حاصل از تحقیقاتی که مؤید تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس هستند، هماهنگ می‌باشد. پژوهش به پژوه و همکاران (۱۳۸۶) از این نکته حمایت می‌کند که آموزش مهارت‌های اجتماعی در بهبود عزت نفس دانش‌آموزان پسر نابینا، به طور معناداری مؤثر بوده است. همچنین این یافته با نتیجه حاصل از تحقیق مؤمنی (۱۳۸۹) همخوانی دارد. وی در بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر وضعیت روانشناختی دانش‌آموزان مبتلا به اختلال یادگیری ریاضی به این نتیجه رسید که آموزش مهارت‌های زندگی باعث ارتقاء وضعیت برقراری ارتباط، عزت نفس، کفایت هیجانی و کفایت اجتماعی دانش‌آموزان مبتلا به اختلال یادگیری ریاضی شده است. همچنین پژوهش‌های مختلفی که پس از اجرای برنامه‌های آموزش مهارت‌های زندگی در مدارس صورت گرفت، پیشرفت‌های معناداری را در ابعاد مختلف سلامت روان از جمله عزت نفس (ایننت^۱ و همکاران، ۱۹۹۴) به دست می‌دهد.

فرضیه دوم، آزمون این فرضیه نشان داد که آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس اجتماعی دانش‌آموزان تأثیر مثبت دارد. این یافته، با یافته‌های پژوهش‌های قبلی همسو می‌باشد. از جمله ایننت و همکاران (۱۹۹۴) که آموزش مهارت‌های زندگی در مدارس را به طور معناداری در پیشرفت ابعاد مختلف سلامت روان از جمله عزت نفس مؤثر می‌دانند. تحقیقی که توسط واحدی (۱۳۸۷) صورت گرفته است، مؤید این مطلب است که آموزش مهارت‌های اجتماعی در طی زمان‌های مداخله‌ای (پس‌آزمون و دوره پیگیری) بر کاهش پرخاشگری و افزایش مهارت‌های اجتماعی کودکان پرخاشگر، مؤثر بوده است.

مؤمنی (۱۳۸۸) آموزش مهارت‌های زندگی را در ارتقاء عزت نفس، کفایت هیجانی و کفایت اجتماعی دانش‌آموزان مؤثر می‌داند. همچنین یوسف‌پور (۱۳۸۸) در تحقیق خود در بررسی اثر بخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر بهبود بهداشت روانی معلولان جسمی بهزیستی تبریز به این نتیجه رسید که آموزش مهارت‌های زندگی موجب بهبود بهداشت روانی، کارکرد اجتماعی و افسردگی در معلولان جسمی شده است. در همین راستا، ناصری و نیک‌پور در پژوهشی نشان دادند آموزش مهارت‌های زندگی موجب ارتقای بهداشت روانی دانشجویان می‌شود (نقل از همان منبع).

فرضیه سوم، آزمون این فرضیه نشان داد که تأثیر مثبت آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس خانوادگی دانش‌آموزان تأیید نشده است. این یافته با یافته پژوهش‌های قبلی که آموزش مهارت‌های

زندگی را سبب افزایش رضایت سیستم خانوادگی و سازگاری با خانواده می‌داند، مغایر می‌باشد(نقل از یوسف‌پور، ۱۳۸۸). در بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر کیفیت زندگی و حل مسئله اجتماعی همسران جانبازان دچار PTSD مهران‌پور(۱۳۸۸) دریافت که آموزش مهارت‌های زندگی(حل مسئله اجتماعی، مهارت همدلی، مهارت خود آگاهی، مهارت ابراز وجود، مهارت مقابله با هیجان، مهارت ارتباط مؤثر) باعث بهبود وضعیت در هر دو بعد جسمانی و روانی در گروه آزمایش شده است. بهبودی ابعاد جسمانی و روانی، باعث احساس رضایت در همسران گشته و استرس و فشار روانی را در این افراد کاهش می‌دهد. این یافته با یافته حاصل از پژوهش حاضر همخوانی ندارد. تبیین احتمالی برای عدم تأیید این فرضیه آن است که آموزش مهارت‌های زندگی به روشی که در این تحقیق به کار رفته است باعث افزایش چشمگیر عزت نفس خانوادگی دانش‌آموزان نمی‌شود. تبیین احتمالی دیگر برای عدم تأیید این فرضیه آن است که از آنجایی که مهارت‌هایی که در این پژوهش آموزش داده شدند (همدلی، ابراز وجود، حل مسئله و تصمیم‌گیری) تنها بخشی از مهارت‌های اساسی زندگی بودند، نتوانسته اند تأثیر معنی‌داری در افزایش عزت نفس خانوادگی دانش‌آموزان بر جای گذارند.

فرضیه چهارم، نتیجه حاصل از آزمون این فرضیه نشان داد که آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر مثبت دارد. یافته حاضر با یافته‌های پژوهش محمودی‌راد(۱۳۸۱) که آموزش مهارت‌های ارتباطی و حل مسئله را در ارتقای سطح عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر می‌داند، همسو می‌باشد. همچنین پژوهش جعفری(۱۳۸۵) که نشان می‌دهد بین عزت نفس و عملکرد تحصیلی دانش‌جویان رابطه معنی‌داری وجود دارد، با یافته حاصل از این پژوهش همخوانی دارد. نتایج بررسی‌های انجام شده توسط علیلو نیز نشان داد که آموزش روش‌های ابراز وجود و جرأت‌مندی، کنترل هیجان‌های ناخوشایند (اضطراب، افسردگی، خشم) و کنترل استرس، باعث بهبود سلامت عمومی از یک طرف و بهبود عملکرد تحصیلی از دیگر سو شده است (نقل از یوسف‌پور، ۱۳۸۸). در تحقیقی که توسط خاک‌پور، در رابطه شیوه‌های نوین در پیشگیری و درمان اعتیاد از طریق آموزش مهارت‌های زندگی بر روی ۲۴۲ نفر انجام شد، نتایج نشان داد که اجرای برنامه مهارت‌های زندگی اثرات بلند مدتی در پیشگیری از شروع مصرف مواد مخدر و یا گرایش به مواد مخدر را تأیید می‌کند. همچنین مشخص شد که عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان نیز بهبود چشمگیری پیدا کرده است(نقل از همان منبع). فرضیه پنجم، یافته حاصل از آزمون این فرضیه نشان داد که آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس فردی دانش‌آموزان تأثیر مثبت معنی‌داری ندارد. یافته حاضر با پژوهش‌های قبلی از جمله مؤمنی(۱۳۸۹)، که آموزش مهارت‌های زندگی را در ارتقاء عزت نفس، کفایت هیجانی و کفایت اجتماعی دانش‌آموزان مؤثر می‌داند، در یک راستا نمی‌باشد. اینت و همکاران(۱۹۹۴)، کروتز^۱ و همکاران (۱۹۹۱) و

الیاس^۱ (۱۹۹۱) در تحقیقات خود آموزش مهارت‌های زندگی را به ترتیب بر عزت نفس، تصور از خود و خودکارآمدی تأثیرگذار یافتند که با یافته حاصل از پژوهش حاضر همخوانی ندارد. واحدی (۱۳۸۷) نیز آموزش مهارت‌های اجتماعی را بر کاهش پرخاشگری و افزایش مهارت‌های اجتماعی کودکان پرخاشگر مؤثر می‌داند که با یافته پژوهش حاضر همخوانی ندارد. همانطور که در مورد عدم تأیید فرضیه سوم نیز به آن اشاره شد تبیین احتمالی برای عدم تأیید این فرضیه آن است که آموزش مهارت‌های زندگی به روشی که در این تحقیق به کار رفته است باعث افزایش چشمگیر عزت نفس فردی دانش‌آموزان نمی‌شود. تبیین احتمالی دیگر برای عدم تأیید این فرضیه می‌تواند متفاوت بودن جوامع آماری باشد که تحقیقات قبلی در آنها صورت گرفته است.

برگزاری جلسات آموزش مهارت‌های اجتماعی در ساعات دروس ورزش و پرورشی و به تبع آن بی میلی دانش‌آموزان برای شرکت در پژوهش، محدود بودن نمونه تحقیق به دو دبیرستان دخترانه شهر تبریز و عدم توانایی محقق در کنترل دیگر متغیرهای تأثیرگذار در طول پژوهش، از جمله محدودیت‌های تحقیق حاضر به شمار می‌روند.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، پیشنهادهای ذیل جهت بررسی قابل تأمل به نظر می‌رسند:

۱- با توجه به اینکه در پژوهش حاضر چهار مهارت حل مسئله، تصمیم‌گیری، ابراز وجود و همدلی آموزش داده شدند، پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی تأثیر دیگر مهارت‌های زندگی از مهارت‌های ده گانه بر عزت نفس بررسی شود.

۲- با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر که نشان می‌دهد آموزش مهارت‌های زندگی بر عزت نفس کلی و عزت نفس تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر مثبت دارد، پیشنهاد می‌شود مدارس در خصوص آموزش مهارت‌های زندگی اهتمام بیشتری بورزند.

۳- با توجه به یافته تحقیق حاضر که نشان می‌دهد آموزش مهارت‌های زندگی بر عزت نفس اجتماعی دانش‌آموزان تأثیر مثبت دارد، پیشنهاد می‌شود جلسات آموزش مهارت‌های زندگی به صورت گزینشی در مورد دانش‌آموزانی که درگیر مشکلات اجتماعی یا ناسازگاری‌های اجتماعی هستند، برگزار شود.

مآخذ

- اسلامی نسب، علی (۱۳۷۳). **روانشناسی اعتماد**. تهران: انتشارات مهرداد.
- به پژوه، احمد؛ خانجانی، مهدی؛ حیدری، محمود و شکوهی یکتا، محسن (۱۳۸۶). **بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس دانش‌آموزان پسر نابینا**. نقل از: **پژوهش در سلامت روان شناختی**، دانشگاه تربیت معلم تهران - قطب علمی روان‌شناسی استرس، دوره اول، شماره سوم، پائیز (۱۳۸۶).
- جعفری پیلرود، رقیه (۱۳۸۵). **بررسی رابطه عزت نفس با عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل**. پایان‌نامه کارشناسی روانشناسی بالینی.
- حسینی، ترگس و دیگران زیر نظر حسن پاشا شریفی (۱۳۸۷). **پرسشنامه‌های پژوهشی در زمینه روان‌شناسی، مشاوره، علوم تربیتی و جامعه‌شناسی**. تهران: انتشارات سخن.
- خالصی، عباس و علیخانی، سیامک (۱۳۸۲). **مدرسه مروج سلامت**. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- رخ فرد، مسلم (۱۳۸۸). **اثر بخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر سازگاری اجتماعی و عزت نفس دانش‌آموزان پسر عقب‌مانده ذهنی مقطع دبیرستان شهر اصفهان**. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روانشناسی، گرایش کودکان استثنایی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی اصفهان.
- شولتز، دوان. پی و سیدنی، الن (۱۳۸۶). **نظریه‌های شخصیت**. ترجمه سیدیجی سیدمحمدی. تهران: نشر ویرایش.
- طارمیان، فرهاد؛ ماهجویی، ماهیار و فتیحی، طاهر (۱۳۸۷). **مهارت‌های زندگی**. تهران: انتشارات تربیت.
- کلینکه، کریس. ال (۱۳۸۰). **مهارت‌های زندگی**. ترجمه شهرام محمدخانی. تهران: سپندهنر.
- محمد الفت، فریده (۱۳۸۲). **بررسی رابطه هیجان‌ها و اسنادهای علی با عزت نفس در دانشجویان دانشگاه تبریز**: پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- محمودی‌راد، مریم (۱۳۸۱). **بررسی نقش مهارت‌های ارتباطی و حل مسئله در ارتقای سطح عزت نفس و رابطه آن با کارکردهای هوشی و پیشرفت تحصیلی**. **مجله بیماری‌های کودکان ایران**، شماره ۷، ۶۱-۴۶.
- موسی‌پور، علی‌مراد (۱۳۸۶). **بررسی راهکارهای ارتقاء مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان در مقابله با آسیب‌های اجتماعی**. کمیته پژوهشی آموزش و پرورش ناحیه ۳ تبریز.
- مؤمنی، سویل (۱۳۸۹). **بررسی اثر بخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر وضعیت روانشناختی دانش‌آموزان مبتلا به اختلال یادگیری ریاضی** پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.
- مهران‌پور، علی (۱۳۸۸). **بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر کیفیت زندگی و حل مسئله اجتماعی همسران جانبازان دچار PTSD**. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.
- واحدی، شهرام (۱۳۸۷). **تأثیر روش‌های مختلف مهارت‌های اجتماعی بر کاهش پرخاشگری و افزایش مهارت اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی عادی و پرخاشگر**. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تبریز.
- یوسف‌پور، مریم (۱۳۸۸). **بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر بهبود بهداشت روانی کارکرد اجتماعی و افسردگی معلولان جسمی بهزیستی شهرستان تبریز**، فصلنامه پویش، مرکز تعلیم و تربیت کاربردی تبریز، سال دوم، شماره پیاپی ۳، ۱۰۴-۹۱.

- Elias, M.J., (1991). An Action research approach to evaluating the impact of a social decision-making and problem-solving curriculum for preventing behavior and academic dysfunction in children. **Evaluation and Program Planning**, 14(4), 397-401.
- Ennet, S.T., Tobler ,N.S., Ringwalt, C.L., and Flewelling, R.L., (1994). **How effective is drug abuse resistance education?** A Meta-Analysis of project DARE outcome.
- Errocart, M.T., Watberg, H.J., Ross, J.G., Gold, R.S., Fielder, J.F., and Kolbe, L.J., (1991). **Effectiveness of teenage health teaching modules.** **Journal of School Health**, 61(1), 19- 42.
- Kreuter, K.G., Gwartz, H., Davenny, G.E., and Love, C., (1991). Drug and alcohol prevention project for sixth graders: First year findings. **Adolescence summer**, 26(102), 287-293.
- Tellado, G.S., (1984). **An evaluation case: The implementation and evaluation of a problem solving training program for adolescents.** **Evaluation and Program Planing**, 7(2), 179-188.

Archive of SID